



بهشت خیالی کمونیسم

طرحی که کمونیست برای جامعه انسانی ترسیم کرده، شبیه قصه‌های کودکان است که قهرمانان آنها سوار بر ابروها می‌شوند و در یک لحظه از شرق عالم به شرب می‌تازند و بابک اشاره، کویروس‌زانی را به باغ تبدیل میکنند!

خطوط اصلی اقتصاد اسلام

اصول مکتب تبریزی

بلا لازم است نگاه کنجکاوانه، اما کوتاه و گذرا، به اصول «کمونیسم» بیندازیم و نفاوت‌های آن را با «سوسیالیسم» در نظر بگیریم و به کمک این آگاهی، پروانه ورود به این بهشت خیالی پیدا کرده، ساعتی به گشت و سیاحت بپردازیم.

«کمونیسم» بعنوان یک سیستم اقتصادی، دارای مشخصات زیر است:

۱ - محو مالکیت فردی بطور کامل، هم در زمینه تولید و هم «صرف» از ابزارهای کمونیسم محسوب می‌شود یعنی کمونیسم بطور مطلق تمامی مالکیت فردی را بر اساس انقاع مالکیت فردی در تمام زمینه‌هاست، نه

هیچک از این دو مورد احترامی برای مالکیت برای پیشرفت‌دهنده‌های جامعه به کار می‌گیرند. فردی قائل نیست و همه جا مالکیت را از آن و تازه بسیار فایده و کم توابع - آنها به جامعه و پایه تصویر دیگر از آن فوت می‌دهند. مقدار احتیاج و نیازشان از فرآورده‌های صنعتی ۲ - محور رابطه «کار» و «درآمد» - به این و کشاورزی استفاده می‌کنند و بنده را می- معنی که هر کسی به مقدار توانایی باید کار کند، گذارند برای سایرین، برای برادران و خواهران دم پا زیاد، و به اندازه نیازش باید بهره برد دیگر، برای همه نیازمندان و رفقا

دیگر نه از آرزو طمع خبری است، و نه از پخل و حسد آتری، و هیچکس مزاحم هیچکس نیست و همه جا بهشت برین است، چرا که باید به اندازه استعدادش کار کند و بهره هر کسی باید به اندازه کارش حقوق داده شود، بکلی از انحراف و فرمول مزبور جای خود را به این فرمول می‌دهد که «از هر کسی به اندازه کارش و بهره هر کسی به اندازه احتیاجش» ۳ - محو دولت به طور کامل - چرا که دولت موجود نظام سرمایه داری و محصول مالکیت فردی و پاسدار آن است و هنگامی که این نظام و آن مالکیت بطور کامل از میان رفت نیازی به وجود دولت برای پاسداری آن نیست. باید دست داشتن این اصول سه گانه وارد

بهشت کمونیسم می‌شویم. راستی چه رویای دل انگیزی؟ دو مبحثی گام نهاده‌ایم که در آنجا خبری از مالکین بزرگ و کوچک است، نه تفاوت‌های گردن کلفت، نه فرمالدهان قدر و نه سیاستمداران زورمند! نهدر آنجا جنگی است و نه دعوانی، نه دولتی، نه دادگستری و نه زندان زندانبانی... همه سربراه، همه مهربان، همه آرام، همه خوشترد! همه کار می‌کنند، و حداکثر کوشش را به خرج می‌دهند، و آنچه در قدرت و توان دارند می‌چینند!

این وزدگی از حرکت به سوی آن بهشت خیالی، و بازگشت به سوی جهنم سرمایه داری، جهان پرواز کنیم.

نشان می‌دهد که نارسائی این بت‌ها، در عمل، عامه میل داریم دنیائی بسازیم که در آن به ثبوت رسیده است، هر چند گمشده خود را در جهنم سرمایه داری نیز نمی‌یابند.

بهشت خیالی کمونیسم به همان مقدار که از خود را - جز به مقدار آرزو - در اختیار دیگران دور دل انگیز است از نزدیک بیرون و بی محتوا بگذارد.

و فاقد حرکت، و فاقد هرگونه جنبه عملی و عینی می‌باشد.

راستی شکفت آرواست آنها سوسالیم و اذالان

برای کمونیسم می‌دانند، ولی همین که وارد آن این

بهشت می‌شوند، و دورنمای زیبا و دل‌انگیز آن را

می‌بند، عقب عقب برمی‌گردند!

این قبیل فرضیه‌های «رویاگونه»، نه تنها قادر

بمحل هیچ مشکلی در جامعه‌های انسانی نیست،

بلکه اثر منفی نیز دارد چرا که انسانها را از

راه حل‌های واقعی دور می‌کند، و در مقابله

با مشکلات و پیکار با حوادث تلخ فاتیوان

می‌سازد.

کمونیسم با فورسولی که در بالا گفته شد بی

شبهت به قیله‌های سینمایی یا قصه‌های کودکان

نیست، در این قصه‌ها، مردم قهرمانی را می

بینند که سوار بر ابرها می‌شوند و مسافتهائی

را که دیگران در طول هفته‌ها یا اتومبیل و

هزاران مشقت طی می‌کنند، برقی آسا در یک

لحظه پشت سر می‌گذارند.

گاهی یک دشت کویر را با یک اشاره تبدیل

به باغستان سرسبزی می‌کنند و زمان دیگر ما

نیروی خارق‌العاده مغناطیس چشم از یک درخت

چندین نوع میوه می‌رویانند!

ما هم بسیار میل داریم بتوانیم یک کویر

سوزان را با یک اشاره چشم به باغ خرمی بدل